



نگاهی نقادانه به ضرورت وجوبی تعهد یا تخصص از منظر جرم‌شناسی اسلامی و جامعه‌شناسی جنایی

سیدمحمدرضا موسوی فرد

پژوهشگر، عضو هیئت‌علمی دانشگاه، واضح جرم‌شناسی اسلامی گرایش جدید حقوق کیفری

mousavifard136394@gmail.com

ارسال: اسفند ۹۹ پذیرش: فروردین ۱۴۰۰

چکیده

یکی از مباحث اختلافی که از دیرباز مورد توجه قرار گرفته است این امر موضوع می‌باشد در گزینش‌هایی که صورت می‌گیرد، حداقل در برهه معاصر بعد از انقلاب اسلامی این مسئله است که آیا باید اصل تعهد ملاک عمل باشد یا اصل تخصص فرد برای گزینش مورد نظر باشد. با بررسی دیدگاه‌های مختلف که غالباً در دو طیف فکری قابل بحث و بررسی است؛ گروهی از منظر نگاه ایدئولوژیک و انقلابی به تعهد اعتقاد دارند معتقدند که تخصص نیز به دنبال آن می‌آید (دیدگاه مصلحت‌گرای). برخی دیگر در نقطه مقابل تخصص را مورد بحث قرار می‌دهند؛ اغلب این افراد را بیشتر با دیدگاه‌های تکنوکرات نوعاً دین‌گریز می‌شناسند. در این مقاله درصدد هستیم ضمن ارائه رویکردی بینابینی بر اساس آموزه‌های میان‌رشته‌ای (پاسخی جدید مبتنی بر آموزه‌های جرم‌شناسی اسلامی و جامعه‌شناسی جنایی...) برای این نزاع تئوریک و درعین حال کاربردی بیابیم و پاسخی واقع‌گرا مبتنی بر واقعیات به آن دهیم.

کلمات کلیدی: تعهد، تخصص، گزینش اداری، فساد، جرم‌شناسی اسلامی، جرم، تخلف.

۱- مقدمه

در خصوص ماهیت جرم‌شناسی اسلامی این نکته را باید متذکر شوم، این باب جدیدی که در حوزه علوم انسانی اسلامی باز شده است، باب جهت‌نگاه‌های متعصبانه و خشک ایدئولوژیک، مبتنی بر جیره‌خواری خاص نیست، قطعاً علمی در جهت نگاه وسیله‌انگارانه، مشروعیت بخش اقدامات مفسده‌انگیز نخواهد بود. بلکه این هدف والای آن چیزی جز این امر نیست که با نقد وضع موجود بر اساس خط‌کشی واقعی که در آموزه‌های اسلامی آمده است، حداقل از منظر تئوریک ادای دین کرده باشد غباری از چهره حقیقت دین مبین اسلام بزدايد. نگاهی عمل‌گرا و مبتنی بر واقعیات موجود در جامعه و به اصطلاح عرفی (کف بازاری و عامه مردمی) نه نگاهی پشت‌میزی و دستوری از بالا و پایین ارباب‌رعیتی که فقط پوشش اسلامی را داراست. خصوصیت بارز جرم‌شناسی اسلامی علی‌رغم قدمت بسیاری که در نوع خود دارد درعین حال به‌عنوان پیشروترین و به‌روزترین نوع جرم‌شناسی محسوب می‌شود که اصول آن خاصیت به‌روز بودن دارد، بالتبع باب طبع مدعیان حقوق بشر کنونی حتی در حد شعار است. (موسوی فرد، ۱۳۹۷، ص

(۳۷)

از این رو از آن استفاده شده است، پس با توجه بدین رویکرد و با توجه به مشکلات موجود از جمله فساد اداری و امثالهم ... در این پژوهش با توجه به آموزه‌های تلفیقی با در نظر گرفتن ضرورت نوسازی تئوریک و نظری برخی از اصول و مبانی گزینشی در انتخاب افراد به خصوص در مناصب اداری می‌طلبد برخی مکانیسم‌های اختلافی را که محل نزاع تئوریک‌اند را نه تنها به صورت مطلق در برخی مصادیق کنار گذاشت بلکه به نوعی تعدیل‌هایی بنیادین در آن به وجود آورد.

علی‌الحدیث سؤال اصلی که در این مقاله به دنبال یافتن پاسخی برای آن هستیم این مسئله است که آیا در گزینش‌ها حداقل از لحاظ نظری، تعهد ظاهری فرد یا تخصص فرد باید ملاک قرار گیرد؟ در پاسخ باید بگوییم در رویه‌های آزمایش پس داده کاربردی تعهد صرف یا تعهد مصلحت‌گرا نه تنها پاسخ‌گو نیست، بلکه مفسده‌انگیز نیز می‌باشد. پس با در نظر گرفتن حداقل‌های موجود و تعریف مصادیق می‌توان گفت متخصص واقعی دلسوز می‌تواند تعهد را به دنبال داشته باشد در حالی که تعهد مصلحت‌گرایانه که بعداً تخصص شکلی را نیز به دنبال دارد در نهایت مفسده‌انگیز و بر اساس آموزه‌های ناب اسلامی نه تنها خدمت نیست بلکه به نوعی خیانت محسوب می‌شود هر چند که متعهد واقعی و نخبه‌ماهیته کمال مطلوب نظام سیاسی و حکومتی اسلامی است، شاید بگوییم اندک است. با رویکردهای توصیفی تحلیلی به تجزیه و تحلیل این بحث در قالب ساختار می‌پردازیم.

۲- مبانی نظری تلفیقی غربی و اسلامی (نخبه‌گرایی واقعی نه شکلی)

باب نظری که در این مقاله گشوده خواهد شد جهت تبیین بحث از ساختاری میان‌رشته‌ای و شالوده شکن نسبت به تحقیقات سلف خود است؛ چرا که این بحث یک رویکرد سیاسی، جرم‌شناختی، جامعه‌شناسانه است پس باید به مبانی مرتبط با آن پرداخته شود. با در نظر گرفتن مطالعات سیاسی در باب گزینش افراد به (نظریه الیتسم^۱ با نخبه‌گرایی پاره تو) می‌رسیم. نخبه‌گرایی باور یا گرایش است که بر طبق آن بعضی از افراد دارای ویژگی‌های سرآمدی معینی هستند و از تخصص یا مهارت‌های بالقوه‌ای چون: تبار مشخص، کیفیت یا ارزش ذاتی، هوش، ثروت، آموزش یا تجربه تخصصی بالا، یا دیگر صفات برخوردارند و بنابراین اثرگذاری یا اقتدارشان از دیگران بیشتر است؛ دیدگاهشان در موضوعی خاص باید از دیگران جدی‌تر گرفته شود، یا بهای بیشتری بدان داده شود؛ نظرات این افراد در کل با احتمال بیشتری به سود جامعه است؛ یا مهارت‌ها، توانایی‌ها یا خرد خارق‌العاده‌شان آن‌ها را به طور خاص برای رهبری مناسب می‌سازند^۲. تا این حد به نظریه موصوف که مرتبط با بحث است بسنده می‌شود و این نکته را بدان اضافه می‌کنیم نخبه‌گرایی باید ملاک باشد که بر اساس معیاری‌های واقعی و سازنده باشد نه نخبگی که بر اساس یکسری مدرک‌گرایی و رزومه سازی بدون تخصص^۳ و پوششی باشد^۴. اگر بخواهیم از منظر مبانی نظری جرم‌شناسی اسلامی و آموزه‌های دینی به قضیه شایسته‌سالاری واقعی بپردازیم با تدقیق بر تعریف و مفهوم شایسته‌سالاری مشخص می‌شود که شایسته‌سالاری همان عدالت اسلامی است و از آن سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا با عدالت است که هر چیزی در جای خود قرار می‌گیرد. در تعریف عدالت گفته‌اند: عدالت یعنی حق هر دارنده حقی را به خود او دادن به عبارت دیگر هر فرد شایسته را در جایگاه و مسئولیت شایسته خودش قرار دادن. (مطهری

^۱. Elitism

^۲. lookat: https://www.answers.com/Q/Elitism_implicit_in_her_commitment_to_individualism_and_the_egalitarianism_intrinsic_to_anarchism

^۳. چون مدرک و امتیازات آن مهم است، طبیعی است که شاید مهارت، یادگیری و شایستگی اهمیت پیدا نکند و این یادگیری و مهارتی که در کشورهای توسعه یافته وجود دارد، حالتی نیست که در کشور ما وجود دارد و در این‌گونه، رشد کمی رخ می‌دهد و نتیجه این می‌شود که وقتی دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری بدون هماهنگی و بدون نیاز ایجاد می‌کنیم، آدم‌های کم توانی وارد می‌شوند و ورودی‌ها دانشجویانی شایسته نخواهند بود و نظام آموزش عالی شایسته نخواهیم داشت؛ همچنین کیفیت‌گرا نخواهیم داشت. در هر حال اینگونه شد که مدرک‌گرایی ایجاد شد؛ متأسفانه ارزش‌گذاری‌ها و امتیازات کاذبی بر روی مدارک ایجاد کردند یعنی اگر افراد دارای کارشناسی ارشد باشند سعی دارند مدرک بالاتر بگیرند زیرا موضوعاتی مانند استخدام، منزلت‌های اجتماعی و اقتصادی باعث شد که در آموزش عالی یک مقداری به انحراف برویم. قابل دسترس: <http://fna.ir/flwrcx>

^۴. در این خصوص باید بگوییم امروزه واقعا خلط مبحث شده است و عملاً نخبه‌گرایی و استانداردهای واقعی نخبه‌گرایی در جوامع با رزومه‌سازی‌های شکلی تحت الشعاع قرار گرفته است، این همان رویکرد مصلحت‌گرایانه است که کمیت را فدای کیفیت کرده است که در دراز مدت مفسده‌انگیز بودن آن کاملاً مشهود است.

، ۱۳۸۹، ص ۸۲۲) از طرفی تمامی معارف قرآنی از یک اصل سرچشمه می‌گیرد و آن چیزی نیست جز اصل توحید. (مطهری، پیشین، ص ۷۲) علامه طباطبایی در این زمینه می‌فرماید: ما می‌بینیم که همین قرآن عصر ما بیان حق صریحی را که جای هیچ تردید نباشد و دادن نظریه‌ای را که آخرین نظریه باشد که عقل بشر بدان دست یابد، چه در اصول معارف حقیقی و چه در کلیات شرایع فطری و چه در جزئیات فضائل اخلاقی استیفا می‌کند، بدون اینکه در هیچ‌یک از این ابواب نقیصه و یا خللی و یا تناقض و لغزشی داشته باشد بلکه تمامی معارف آن را با همه وسعتی که دارد می‌بینیم کانه به یک حیات زنده‌اند و یک روح در کالبد همه آن‌ها جریان دارد و آن روح واحد مبدأ تمامی معارف قرآنی است و اصلی است که همه بدان منتهی می‌گردند و به آن بازگشت می‌کنند و آن اصل توحید است که اگر یک‌یک معارف آن را تحلیل کنیم، سر از آن اصل درمی‌آوریم و اگر آن اصل را ترکیب نماییم به یک‌یک آن معارف برمی‌خوریم. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ص ۱۵۲)

عدالت نیز ریشه در توحید دارد و احقاق عدالت جز در راستای توحید، هدف انبیاء الهی نبوده است. در اسلام، همه شایستگی‌های دنیوی و اخروی، بر اساس و محوریت عقلانیت الهی، تعریف می‌شود. تخصص، تجربه و قدرت تدبیر در فرهنگ اسلامی، مبتنی بر قرآن و سنت، اساس شایستگی در سه ویژگی جمع شده است، این امر به عقل حرفه‌ای و کاربردی تعبیر می‌شود در مورد عقل عملی التزام به ارزش‌های عملی همان «عقلانیت حرفه‌ای و کاربردی» در نظام اسلامی است. (موسوی مقدم و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۲۰۳)

پس در جمع‌بندی جرم‌شناسانه اسلامی باید گفت: با تأکید بر مشابهت‌ها بر اساس مؤلفه‌ای شایسته‌سالاری که حتی مورد تأیید دین مبین اسلام است از لحاظ عقلانیت حرفه‌ای و کاربردی نیز بر اساس عدالت باید هر چیزی در جای واقعی خود قرار گیرد در غیر آن مفسده دارد.^۵ پس می‌بینیم در حقوق اسلامی به نوعی تخصص نیز به نوعی مورد توجه قرار گرفته ولی به صورت گزینشی بدان توجه نشده است. چنانچه بر طبل تعهد مصلحت‌گرایانه^۶ کوفته شده است که عملاً گویی در حقوق اسلامی و متون دینی هیچگونه توجهی به وجهه حرفه‌ای و تخصصی نشده است، همین امر سرآغازگر مفسده‌هایی جرم‌زا و هزینه آور است.

۳- مفهوم شناسی تعهد و تخصص از منظر جرم‌شناسی اسلامی^۷

در اینجا به به مفهوم شناسی واژه‌های اصلی می‌پردازیم؛ تعهد در لغت یعنی وظیفه یا ضمانتی در مقابل کسی یا برای چیزی و خود را ملزم به انجام کاری دانستن، تعهد به یک مجموعه برای انجام کاری با تعهد شخصی که معمولاً قول یا ضمانتی برای رشد شخصی است متفاوت می‌باشد. در یک تعریف دیگر آمده است تعهد در لغت به معنای عهد و پیمان است. تعهد مصدر باب تفاعل به معنای بر عهده گرفتن، خود را موظف و مدیون کردن نیز آمده است. (لنگرودی، ۱۳۶۷، ص ۱۶۶) در خصوص شرایط انسام متعهد اسلام به اسلام فراوان صحبت به میان آمده است؛ ولی از باب رویکردهای که می‌تواند با جرم‌شناسی اسلامی رابطه معنا داری داشته باشد بدین تعریف می‌رسیم که در تربیت اسلامی، به‌ازای شایستگی‌ها و برتری‌های انسانی، تعهداتی نیز بر ذمه وی خواهد بود. وفای به تعهدات، وظیفه و پاسخی در مقابل تفوق‌های نامبرده است. در تربیت اسلامی، انسان متعهد باید علاوه بر دانستن تعهدات، نسبت به آنها با التزامی درونی، عامل باشد. مصادیق تعهد در شاخصه‌های رابطه انسان با خدا، خود، خلق و خلقت جلوه‌گر می‌شود. (پور کریمی و دیگران، ۱۳۹۵) هرچند نیز برخی دیدگاه‌ها تنها را سعادت و توسعه را در نام اسلامی در این مفهوم جستجو می‌کنند؛ تنها اخلاقی که می‌تواند انسان را به سعادت رهنمون سازد اخلاق دینی (اسلامی) است نه مکاتب اخلاقی که در غرب توسط اندیشمندان اخلاقی ارائه گردیده است. در اخلاق اسلامی نیز عدالت فردی و اجتماعی^۸ بعنوان مبنایی ترین فضیلت آمده است، بدین معنی که اگرچنانچه بتوان احاد جامعه اسلامی را متخلق به فضیلت عدالت نمود در واقع به توسعه حقیقی یا ایده آل دست یافته ایم. (فدوی، ۱۳۹۲، ص ۹) از منظر جرم‌شناسی اسلامی باید بگوئیم نگاهی تعدیل‌گرا با در نظر گرفتن شاکله اصلی این مفهوم می

^۵. از مولفه‌های جرم‌شناسی اسلامی می‌باشد که دقیقاً منطبق و سازگار با این اصل است.

^۶. Expedient

^۷. Islamic Criminology

^۸. Individual and social Justice

تواند این امر را تسهیل کند. در خصوص مفهوم تخصص و تخصص گرایی^۹ با گسترش علوم و شاخه‌شاخه شدن هر حوزه علمی، جایگاه تخصص‌ها نیز اهمیت بیشتری می‌یابد. گرایش‌های تخصصی در رشته‌های دانشگاهی و رویکردهای کاملاً تخصصی در پژوهش، حکایت از روند روبه توسعه در شاخه‌شاخه شدن علم دارند. از سوی دیگر، توسعه گرایش‌های تخصصی^{۱۰} در هر کشور نشان‌دهنده تلاش اندیشمندان و مدیران آن کشور در جهت توسعه علم و درنوردیدن مرزهای موجود است. به بیان دیگر، تخصص گرایی^{۱۱}، شاخص پیشرفت علم در هر جامعه تلقی می‌شود. (فتاحی، ۱۳۹۸، ص ۳) این امر در حوزه اخلاق اسلامی و بخصوص جرم‌شناسی اسلامی نیز می‌تواند مورد توجه واقع گردد به طوریکه امام صادق علیه السلام نیز به صراحت، رضایتمندی خود را از «حرفه مندی» افراد در کسب روزی خود اعلام می‌دارند: من دوست دارم مرد در طلب رزق، حرفه مند و ماهر باشد. در روایت آمده است: علی بن عبد العزیز گوید: امام صادق علیه السلام فرمود: دوست دارم بینم مردی را که مایل است برای پیدا کردن روزیش یا دارای شغلی است و برای یافتن روزی سحرخیز است، چه رسول خدا صلی الله علیه و آله در حقیقت دعا کرده و از خداوند درخواست کرده است که امت او را که صبح زود بدنبال کسب روزی برمی‌خیزند برکت دهد^{۱۲}. بالاخره به روایت دیگر در این خصوص بسنده می‌کنیم که تخصص گرایی در اسلام مورد تاکید است علی علیه السلام نیز ضمن توصیه به کار و تجارت و بی‌نیاز شدن از کمک مادی مردم، بر دو ویژگی «تعهد و تخصص» یا «حرفه مندی و امین بودن» تأکید می‌ورزد اینکه به صراحت امام علی (ع) در حوزه تجارت اشاره دارد که خداوند حرفمند امین را دوست دارد^{۱۳}. آنچه که به عنوان نتیجه نظری بالتبع عملی این مراتب می‌توان دریافت در حوزه جرم‌شناسی اسلامی این است که تخصص گرایی که همانا تحت عناوینی همچون حرفه مندی و مهارت در روایات اسلامی از آن یاد شده است، استنباط نمی‌شود که در درجه پایین تری از تعهد قرار داشته باشد و این امر به نحوی در روایات نیز مورد توجه مذاقه قرار گرفته است. با درنگی در اندیشه‌های سیاسی اجتماعی اسلام و با واکاوی آموزه‌های تعالی بخش دینی به خوبی می‌توان جایگاه شایسته سالاری را اخراج کرد. عدالت به عنوان اساسی‌ترین اصل دینی همان شایسته سالاری است. چراکه با تحقق عدالت اسلامی اصل استقرار هر چیزی در جای متعلق به خودش برآورده می‌شود. با رجوع به آیه ۱۰۵ سوره انبیاء خداوند تأکید کرده است که حکومت و سروری بر زمین برای بندگان صالح و شایسته است. و همچنین در قرآن می‌خوانیم که هنگامی که یوسف از زندان آزاد شد عزیز مصر در صدد واگذاری مسئولیتی به او گردید که یوسف بیان می‌کند مرا سرپرست خزائن قراربده که نسبت به این مسئله آگاهم و ایشان این مسئولیت را می‌پذیرد چون توانایی اداره امور در این زمینه را دارد. زیرا او هم امنیت دار است و هم آگاهی و تخصص کافی در این زمینه دارد. نیز زمانی که بنی اسرائیل از پیامبری بنام اشمونیل در خواست فرماندهی کردند تا با ستمگران بستیزند او به درگاه خداوند روی آورد و خداوند طالوت را به فرماندهی آنان برگزید. که قوم بنی اسرائیل نسبت به این انتصاب اعتراض کردند و گفتند چگونه او بر ما حکومت داشته باشد که ما از او شایسته تر و ثروتمندتریم اما خداوند در پاسخ شایستگی طالوت می‌فرماید (آیه ۲۴۷ سوره بقره) خداوند او را بر شما برگزیده چون علم و قدرت فراوانی دارد. یکی از عوامل موثر در به وجود آمدن مدیریت مطلوب، تحقق نظام شایسته سالاری است. انتخاب مدیران لایق، کاردان، مدبر، متعهد، آشنا به علوم و دانش‌ها و قوانین مربوطه، آگاه نسبت به نیازهای عینی نظام مدیریتی کشور و ... گامی مهم در وصول به شایسته سالاری است. بدون شک تبیین ملاک‌ها و معیارها در گزینش مدیری شایسته، انتخاب صحیح و حفظ شایستگان سه محور اصلی در تحقق نظام مدیریت شایسته سالار^{۱۴} است^{۱۵}.

9. Specialism

10. Development of Specialized Tendencies

11. Specialization

۱۲. نگاه کنید به اصل روایت و منبع ارجاعی: وَ...عَبْدُ الْعَزِيزِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِنِّي لَأُحِبُّ أَنْ أَرَى الرَّجُلَ مُتَحَرِّفًا فِي طَلَبِ الرِّزْقِ إِنْ رَسُوهُ اللَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ -: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لِي فِي بُكُورِهَا ... به نقل از من لا يحضره الفقيه / ترجمه بلاغی و غفاری؛ جلد ۴، ص ۲۰۶ (منابع الکترونیکی)

۱۳. قال علی (علیه السلام):...بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي حَدِيثِ الْأَرْبَعِيَّةِ قَالَ: تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَاتِ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا غَنًى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ الْمُخْتَرِفَ الْأَمِينُ الْمُعْتَبُونَ غَيْرَ مَحْمُودٍ وَ لَا مَأْجُورٍ... نگاه کنید به: تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، جلد ۱۷، ص ۱۱. (منابع الکترونیکی)

14. Realization of Meritocratic Management System

در اندیشه اسلامی، واگذاری مناصب و مشاغل به افراد و انتخاب نیروی کار اعم از مدیران و کارمندان و کارگران بر اساس لیاقت و شایستگی، اصلی مسلم و تردید ناپذیر است. رعایت شایسته سالاری در گزینش نیروی کار مقتضی بهره گیری از نیروی کار متعهد و متخصص است. (ایزدی فر، ۱۳۸۴، ص ۱۱) سنت الهی بر این است که به هیچ کس جز بر اساس شایستگی های لازم مسئولیت نمی دهد. این مهم در واگذاری مقام خطیر نبوت و امامت کاملاً مشهود است. وقتی خداوند طالوت را به عنوان برگزیده خویش مطرح نمود، بنی اسرائیل به این گزینش اعتراض کردند و گفتند: «چگونه او بر ما حکومت کند، با اینکه ما از او شایسته تریم، او ثروت زیادی ندارد». در واقع، از نظر بنی اسرائیل، ملاک شایستگی، داشتن مال و ثروت بسیار بود و از این رو، خود را برتر از طالوت می دیدند و حال آنکه در نظر الهی طالوت به لحاظ برخورداری از علم و قدرت جسمانی (بقره/۲۴۷) از هر جهت شایسته این مقام بود. سیره نبوی نیز سرشار از توجه حضرت به کاردانی نیروی کار و دقت در گزینش سزاوارترین آنهاست، تا جایی که آن حضرت حتی در جزئی ترین امور نیز، اصل شایسته سالاری را رعایت نموده، کار را به شایستگان و اهل فن می سپردند. بیان نورانی آن حضرت به حاکم مکه، که فرمودند: «لو اعلم لهم خیرا منک استعملته علیهم؛ اگر برای اداره مکه بهتر از تو کسی را می شناختم، برمی گزیدم» نشان از اهمیت بالای اصل شایسته سالاری^{۱۶} در نزد ایشان دارد. (بایستی، ۱۳۹۸)

سیره مدیریتی حضرت علی (ع) نیز حکایت از محوریت اصل شایسته گزینی در نظام حکومتی جامعه علوی دارد. امام علی (ع) میراث دار حکومتی بود که در نظام های گوناگون اداری و گزینشی، قضائی، نظامی و تقنینی آن، روابط جانشین ضوابط شده، انگیزه های دومانی، تملق، ثروتمندی و قدرت نمایی به جای اصل تقوا و شایسته سالاری^{۱۷} قرار گرفته بود. با توجه به نابسامانی های مزبور، نخستین اقدام حکومتی حضرت پس از بیعت مردم، جابه جایی و عزل و نصب وسیع مدیران اجرایی نظام پیشین بود. حضرت پس از دستیابی به حکومت، با قاطعیت فرمودند: «قسم به خداوندی که پیامبر را به حق مبعوث نمود، به سختی مورد آزمایش و گزینش قرار می گیرید و همانند محتویات دیگک هنگام جوشش، زیر و رو خواهید شد، آن چنان که برآمدگان برفتند و افتادگان برآیند. باید پیشگامان دیانت و شهادت روی کار آیند و کسانی که با فرصت طلبی و امتیازات گوناگون برآمده اند، دست رد بر سینه خورند.

۴- تعهد مصلحت گرایانه، بالتبع تخصص صوری (از منظر جرم شناسی اسلامی)

الف) مدرک گرایی شکلی (لزوم عنوان دکتر، مهندس)

مصلحت گرایان در بسیاری از موارد صورت مسئله را پاک کردند و برای اینکه به نوعی جهت انتقادات را کم کنند به صراحت کیفیت را فدای کمیت کردند. مصلحتی که اندیشیدند این بود که فردی لزوماً تعهد داشته باشد مثلاً برای عنوان خاصی باید مدارج علمی را داشته باشد که حاوی عناوینی همچون دکتر و مهندس باشد برای همین راهکارهای جایگزین را تعریف کردند که فقط به صورت شکلی راه را بدون در نظر گرفتن کیفیت آموزش و پژوهش^{۱۸} با استفاده از بندهای فرا قانونی موجود (که صرفاً در دسترس برخی خواص) بوده است گذرانده و به عناوین موصوف برسند اینجاست که تعهد تخصص^{۱۹} را با خود به دنبال داشته است، متأسفانه مدرک گرایی^{۲۰} در تمام ابعاد جامعه نفوذ کرده است بطوریکه صرفاً جوانان بیکار نیستند که به منظور پیدا کردن کار به دنبال گرفتن مدرک و ادامه تحصیل هستند بلکه کارمندان و به ویژه مدیران میانی و ارشد در ادارات نیز با وجود در اختیار داشتن گرسی ریاست به ادامه تحصیل مشغولند و به دنبال مدارک عالی تحصیل هستند. شاهد مدیرانی هستیم که هم پست اجرایی مهمی دارند، هم در حال تحصیل هستند، هم تدریس، هم تألیف، هم ترجمه می کنند، هم مقاله می نویسند و هم پایان نامه را با نمرات بسیار عالی با عناوین

16. The Principle of Meritocracy

17. Corruption

18. Quality of Education and Research

19. Commitment to Expertise

۲۰. اکنون از مدرک گرایی به عنوان یک بیماری فرهنگی یاد می شود. نوعی بیماری که برخلاف بیماریهای جسمانی، علاج آن مستلزم تلاش و کوشش فراوان در جهت فرهنگ سازی است. نگاه کنید به مصاحبه دکتر عباس رضوی با موضوع نقش ما در بیماری مدرک گرایی قابل دسترس در سایت:

<http://fatehan.net/post/30>

پایان‌نامه‌های بسیار تاپ دفاع می‌کنند! اما اگر به ارزیابی واقعی وظایف محوله به آن دسته از مدیران پردازیم و یا از نظر علمی تلاش‌های علمی‌شان را موردسنجش قرار دهیم. نه مدیران خدمی بوده‌اند که بتوان گفت حق جایگاه مدیریتی^{۲۱} خود ادا نموده‌اند و نه دانشجویان فرزانه‌ایکه هدفی علمی و دغدغه‌ای علمی را موشکافانه دنبال کرده باشند. در عرف تحصیلات آکادمیک^{۲۲}، تحصیل در مقطع دکتری به عنوان یک شغل تمام وقت محسوب می‌شود زیرا یک دانشجوی دکتری قرار است به صورت شبانه روزی در حوزه مورد مطالعه‌اش تلاش کند که بتواند گره‌ای از کار فروبسته جامعه بگشاید. از این رو او باید قادر باشد ایده جدیدی را خلق نماید و از آن به خوبی دفاع کند. اهمیت این خلاقیت تا آنجا است که دانشگاه‌ها و موسسه‌های علمی و پژوهشی^{۲۳} به بعضی از دانشجویان دکتری، بورس تحصیلی یک ساله اعطا می‌کنند تا این افراد به صورت تمام وقت مطالعه کنند و در پایان سال بتوانند فقط یک مقاله کوتاه پژوهشی^{۲۴} در حد شش هزار کلمه ارائه دهند. ما متأسفانه مدیران خدمی این دیار دل از علم و دانش نمی‌کنند و در کنار خدمات دلسوزانه مدیریتی خود همزمان دانشجوی مقطع دکتری نیز هستند تا در عرصه علم و دانش نیز کم نیاورند^{۲۵}! یا اینکه پا را فراتر از این می‌گذارند و به صراحت مرتکب جرائم متعدد می‌شوند و مدارک جعلی ارائه می‌نمایند مثلاً دستیار ویژه وزیر علوم در امور حقوق شهروندی^{۲۶} از کشف هزاران مدرک جعلی توسط وزارت علوم خبر داد و گفت: برخی مدیران سیاسی^{۲۷} بدون حضور در کلاس ۱۴۰ واحد درس را در دو ترم پاس می‌کنند و مدرک دکتری و ارشد می‌گیرند^{۲۸}. در ادامه این گزارش رسمی آمده است: وقتی ملاحظه می‌شود مدیری سیاسی در حال مدیریت کلان هم زمان در دانشگاه هم ثبت نام کرده و مدرک دکتری و ارشد می‌گیرد بدون حضور در کلاس ۱۴۰ واحد در دو ترم بالاتر از نایب‌ترین نایب‌ها پاس می‌کند شاید مدرکی ظاهراً صحیح داشته باشد اما قطعاً جعلی و بی اعتبار است^{۲۹}. این نمونه‌ای از گزارش‌هایی است که رسانه‌ای شده است. به گزارش منتشر شده دستیار وقت ویژه وزیر علوم و بازرسی در شبکه اجتماعی نگاه کنید:

21. Managerial Position

22. The custom of Academic Education

23. Scientific and Research Institutes

24. Short Research Article

25. <http://kurdtoday.ir/news/19779/>

26. Citizenship Rights

۲۷. هیچ قانون یا آیین‌نامه‌ای وجود ندارد که وجود مدرک دکترا را برای عضویت در هیأت دولت الزامی کرده باشد. اما داشتن مدرک دکتر، جایگاه اجتماعی حاصل از آن را ارتقا می‌دهد. هرچند این جایگاه با لو رفتن شیوه اخذ مدرک، می‌تواند به راحتی مانند یک قلعه شنی فروریزد. متأسفانه روحیه مدرک‌گرایی از سال‌های پایانی دهه ۶۰ آغاز شد. برخی مدیران دولتی همزمان با اشتغال در مسئولیت‌های سنگین و وقت‌گیر، مشغول گذراندن دوره‌های تحصیلی فوق‌لیسانس و دکترا نیز بودند. طبیعی است این افراد در یکی از دو مشغله خود (تحصیل و کار) ناموفق بودند. از سوی دیگر شأن کاذب اجتماعی ناشی از کسب مدرک تحصیلی و تب داغی که از این ناحیه گریبانگیر جامعه شد، بنیان رفتارهای نادرستی را پریخت که پیامدهای آن همچنان ادامه دارد. قابل دسترسی در:

khabaronline.ir/news/14265

28. <https://www.isna.ir/news/99031005400/>

۲۹. پیشین.



jafari.fereydoon



others

این روزها در #اعتبار_سنجی_نمایندگان جدید jafari.fereydoon مجلس یکی از موضوعات چالشی #مدارک_ماخوذه_دانشگاهی آنهاست. چنانکه برخی را از جلوس بر کرسی #نمایندگی_ملت محروم کرده در این خصوص نکاتی چند قابل اشاره است:

1. وقتی حضور در جایگاهی سیاسی را منوط به داشتن کاغذی بنام مدرک می کنیم، بدون اینکه آزمون ها و ارزیابی های درستی از دانش مرتبط با آن مدرک را تقویت و به گزینی کنیم. نتیجه سوق شدید سیاسیون به سمت مدرک گرایی با استفاده از نفوذ و قدرتشان خواهد بود.
2. وقتی در دانشگاهها بالاخص از نوع غیر دولتی و موسسات غیر انتفاعی نظارت و دقت کافی در نحوه و نوع صدور مدارک دیده نمی شود نتیجه می شود مدرک فروشی.

jafari.fereydoon این روزها در #اعتبار_سنجی_نمایندگان جدید مجلس یکی از موضوعات چالشی #مدارک_ماخوذه_دانشگاهی آنهاست. چنانکه برخی را از جلوس بر کرسی #نمایندگی_ملت محروم کرده در این خصوص نکاتی چند قابل اشاره است:

1. وقتی حضور در جایگاهی سیاسی را منوط به داشتن کاغذی بنام مدرک می کنیم، بدون اینکه آزمون ها و ارزیابی های درستی از دانش مرتبط با آن مدرک را تقویت و به گزینی کنیم. نتیجه سوق شدید سیاسیون به سمت مدرک گرایی با استفاده از نفوذ و قدرتشان خواهد بود.
2. وقتی در دانشگاهها بالاخص از نوع غیر دولتی و موسسات غیر انتفاعی نظارت و دقت کافی در نحوه و نوع صدور مدارک دیده نمی شود نتیجه می شود مدرک فروشی.
3. وقتی حتی در مواقعی که ظاهر درست است هیچ نظارت علمی بر کیفیت فعالیت های پژوهشی منتهی به اخذ مدرک صورت نمی گیرد و بازار پایان نامه فروشی ها و مقاله فروشی ها و غیره داغ و پرسود است و دانشجو بدون حتی یک جلسه حضور در کلاس یا رانت و لابی و معامله نمره اخذ می کند، با نوع دیگری از مدارک بی اعتبار مواجه هستیم.
4. وقتی اساتید راهنما در رساله های دکتری و پایان نامه های کارشناسی ارشد دقت علمی و مکفی در جلوگیری از سرقت های علمی و ادبی نکرده و بعضا حتی متن را یکبار نخوانده وارد جلسه دفاع می شوند، با مدارک بی اعتبار مواجه هستیم.
5. وقتی ملاحظه می شود مدیری سیاسی در حال مدیریت کلان همزمان در دانشگاه هم ثبت نام کرده و مدرک دکتری و ارشد می گیرد بدون حضور در کلاس و 140 واحد را در دو ترم بالاتر از نایفه ترین نایفه ها پاس می کند شاید مدرک ظاهر صحیحی داشته اما قطعاً جعلی و بی اعتبار است.

سوالی که اینجا از منظر آموزه های حقوق جزا و جرم شناسی اسلامی و حتی آموزه های دینی پیش می آید این است مسئولی سیاسی که با مدرک جعلی از بیت المال حقوق آن درجه علمی را می گیرد و به صراحت مرتکب جرم شده چگونه و چطور هنوز تعهد وی احراز شده و هم اکنون نیز متعهد بودن وی برای مسئولین ذی ربط ادامه دارد^{۳۰}؟ مثلاً به این نمونه دقت شود: وزیر نفت نیز مهندسی نفت خود را طی دو ترم تابستانه سال های ۶۳ و ۶۴ در دانشکده صنعت نفت اخذ کرده است^{۳۱}. شرعا، عقلا، منطقاً، عرفاً، قانوناً، حقاً، انصافاً با کدام معیار تعهد دینی افرادی سنجش و احراز شده است؟ بحث اینکه در سطح مقالات عالی نیز اتفاق افتاده است و شایعاتی مطرح شده است مبنی بر اینکه شخصی اول اینکه ایشان در اواخر دهه هفتاد مدرک دکتری خود را اخذ کرده اند. طبق تصویر منبع زیر، در سال ۱۹۹۸ از پایان نامه دکتر (PHD) خود در دانشگاهی اسکاتلند دفاع کرده است، در حالی که در مدارکی که ارائه کرده است قبلاً در سال ۱۳۵۸ اعلام کرده است دکتری تخصصی داشته است^{۳۲}. بالاخره فردی که در سطح وزرای عالی کشور صراحتاً طی نامه ای به مقام مافوق خود جعلی بود مدرک دکتری خود را پذیرفت: "در این نامه فرد دیگری را متهم کرده که به او مدرک جعلی دانشگاه آکسفورد داده و اعلام داشته که علیه او شکایت کیفی کرده است: "اینجانب بر خود فرض می دانم از همه عزیزان و به ویژه جنابعالی که انگیزه این تحقیق و روشن شدن حقیقت را برای بنده فراهم آوردید صمیمانه سپاسگزاری نمایم. بالاخره برای اثبات نیت خود نیز آورده است: بر این اساس طی نامه شماره ۸۷/۱۲۱۸۰/۲۰ مورخ ۸۷/۶/۲۴ در دادسرای عمومی و انقلاب تهران علیه مشارالیه شکایت کیفی نمودم تا تحت تعقیب قضایی قرار گیرد و اکنون پرونده در جریان رسیدگی است، نهایتاً مختومه شد"^{۳۳}. هر چند که متعهدان واقعی بسیاری نیز بودند اند که راه را بدون هیچ گونه امتیازگیری خاصی همانند عامه مردم و تحصیل کردگان واقعی گذرانده اند و تعهد آنها نیز به اصول و ارزشهای والای نظام مقدس اسلامی ذاتی بوده است، نه ظاهری و برای دور زدن که عملاً نیز در جاهایی واقعا منشا خیر بوده اند. البته در این بین دسته ای نیز بودند که حتی مسیر را به صورت شکلی نیز طی نکرده اند^{۳۴} و در جامعه بخاطر یکسری مسائل و جایگاههای اعطایی عناوین مشروعیت بخش دکتر و مهندس را یدک می کشند، همین افراد و امثالهم از منظر آموزه های جرم شناسی اسلامی باید بگوئیم نه تنها منشا خیر برای نظام اسلامی نشده اند بلکه در نقطه مقابل آن باعث بدبینی عامه مردم به واقعیت دین شده اند^{۳۵}. این مصلحت گرایی که باعث مدرک گرایی و تخصص کاذب شده نتایج دارد:

۴-۱- **رواج مدرک فروشی در جامعه:** مثلاً به اظهار نظر رسمی یکی از مسئولین وقت در این خصوص دقت فرمایید: فیاضی با انتقاد از رشد فرهنگ مدرک گرایی در کشور این موضوع را زمینه ای برای رشد پدیده مدرک فروشی عنوان و تصریح کرد: در صورت

^{۳۰}. هر چند نمونه بسیاری از این مدیران در سطح جامعه فراوان هستند به برخی مصادیق محدود جهت اثبات ادعا بسنده می شود.

^{۳۱}. <https://www.khabaronline.ir/news/14265>

^{۳۲}. جهت دسترسی به مبسوط و شرح این خبر نگاه کنید به منبع اول ارجاعی (خبرگزاری فارس) و سپس منبع دوم که به نقل از منبع اول این خبر را درج کرده است: <https://www.yjc.ir/fa/news/6690995>

^{۳۳}. asriran.com/000Drh

^{۳۴}. در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۱۶ ماده واحده ای را تحت عنوان «قانون مجازات استفاده غیرمجاز از عناوین علمی» به تصویب رساند که با تایید شورای نگهبان در تاریخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۵ به مرحله اجرا درآمد. به موجب این ماده واحده: «استفاده از عناوین علمی دکتر، مهندس و مانند اینها که شرایط اخذ آن مطابق قوانین و مقررات مربوط تعیین می شود، توسط هر فرد برای خود مستلزم داشتن مدرک معتبر از مراکز علمی و دانشگاهی داخلی و یا خارجی مورد تایید رسمی وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و شورای عالی انقلاب فرهنگی است. مرتکبین استفاده غیرمجاز از عناوین علمی مذکور به مجازات ماده ۵۵۶ فصل هشتم کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد.

^{۳۵}. در قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ نیز در مورد جعل مدارک تحصیلی ماده ای آورده شده است که قابل توجه است. ماده ۵۲۷ قانون مذکور مقرر می دارد: «هر کس مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ التحصیلی یا تاییدیه یا ریز نمرات تحصیلی دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی و تحقیقاتی داخل یا خارج از کشور یا ارزشنامه های تحصیلات خارجی را جعل کند یا با علم به جعلی بودن آن را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جرمان خسارت، به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد. در صورتی که مرتکب، یکی از کارکنان وزارتخانه ها یا سازمانها و موسسات وابسته به دولت یا شهرداری ها یا نهادهای انقلاب اسلامی باشد یا به نحوی از انحاء در امر جعل یا استفاده از مدارک و اوراق جعلی شرکت داشته باشد به حداکثر مجازات محکوم می گردد.»

عدم سیاست گذاری صحیح و نظارت دقیق بر مراکز آموزش عالی در کشور با «فروشگاه مدرک»، به جای دانشگاه و مراکز آموزشی مواجه خواهیم شد.^{۳۶}

۲-۴- گسترش تقلب های علمی^{۳۷}: حتی چنین پدیده ای در سطح بین المللی نیز بازتاب داشته است: بحث بر سر تخلفات علمی محققان ایرانی در نشریات علمی دنیا موضوعی است که در سال های گذشته چندین بار تکرار شده. به تازگی نیز اخباری مبنی بر تقلب^{۳۸} و کپی برداری یک استاد ایرانی در دانشگاه استرالیا منتشر شده که اگرچه در این مورد خاص فرد مورد نظر در ایران فعالیت نداشته اما در نهایت انتشار این نوع اخبار برای جامعه علمی کشور وجهه خوشایندی ندارد.^{۳۹}

ب) فساد اداری در نتیجه عدم شایسته سالاری^{۴۰}

آنچه محرز و مسلم است این است که از منظر آموزه های جرم شناسی به صورت عام نیز به قضیه بخواهیم بنگریم وجود قوانینی مبارزه با فساد از لحاظ کمی هیچ گاه نتوانسته است دردی از جامعه دعوا کند بلکه همیشه موجب تورم قانونی بدون کارایی لازم بوده است در اینجا برای نشان دادن این امر و ضرورت تجدید نظر در برخی استراتژیهای کلان در گزینش به قوانین موصوف اشارات مختصری می نمایم: با توجه به اهمیت حفظ سلامت و روابط و مناسبات اداری و پیشگیری و مقابله با فساد^{۴۱}، از بدو پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون اقدامات متعددی در زمینه جرم انگاری مصادیق فساد صورت گرفته است که از جمله میتوان به اتخاذ تدابیر قانونی مقرر در قوانینی از جمله قانون تعزیرات (مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸)، (قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری (مصوب ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام)، قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (مصوب ۱۳۷۱) قانون رسیدگی به تخلفات اداری^{۴۲} (مصوب ۱۳۷۲) و اصلاحات بعدی آن و ضمانتهای اجرایی جزایی مقرر در قوانینی همچون قانون مجازات اسلامی (تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده (مصوب ۱۳۷۵) اشاره کرد. به علاوه، آیین نامه پیشگیری و مبارزه با رشوه در دستگاههای اجرایی (مصوب ۱۳۸۵) هیأت وزیران، تصویب پذیرش کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد در مجمع تشخیص مصلحت نظام در سال ۱۳۸۷، الحاق جمهوری اسلامی ایران به آن کنوانسیون در سال ۱۳۸۸، در نهایت قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام اشاره کرد و... (افضلی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۷) اگرچه فساد فراگیر و عمیق در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود دارد و این امر به دلیل ساختارهای سست و آسیبپذیر این کشورها است، اما فساد نظام مند و نهادینه شده، اصلاحات سیاسی و اقتصادی اعمال شده در این کشورها را به طور جدی تهدید میکند. این در حالی است که در کشورهای توسعه یافته از منظر رویکردهای اقتصادی پژوهشی نشان می دهد متوسط هزینه انتصاب نابجای یک مدیر حدود ۷۵۰۰ دلار در سال است؛ در حالی که تکانه ناشی از برکناری همین مدیر حدود ۱۶۰۰۰۰ دلار تخمین زده می شود. در عین حال، صرفه جویی ناشی از انتصاب یک مدیر موفق^{۴۳}، ۳/۵ میلیون دلار در سال بوده است که درباره مدیران اثربخش به ۷ میلیون دلار می رسد. (درگاهی، ۱۳۸۹، ص ۹۶) آنچه امروزه شاهد آن هستیم ایران در معیارهای جهانی با توجه به مکانیسم های موجود و عدم شفافیت^{۴۴}

^{۳۶}. عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس در گفت و گو با میزان: mizanonline.com/0000tj

^{۳۷}. The Spread of Scientific Fraud

^{۳۸}. جدیداً آیین نامه اجرایی قانون پیشگیری و مقابله با تقلب در تهیه آثار علمی طی شماره شماره ۶۶۶۱۲/ت/۵۵۶۸۶ هـ مورخ ۱۳۹۸/۵/۳۰ به تصویب هیئت وزیران رسیده است: <https://rc.majlis.ir/fa/law/show/1264898>

^{۳۹}. <https://www.isna.ir/news/98081207077/>

^{۴۰}. شایستگی ها مجموعه ای از دانش، مهارت ها و رفتارهای درخور سنجش و مشاهده که در موفقیت یک شغل یا پست سهیم هستند. نگاه کنید به مقاله: قهرمانی، علی (۱۳۸۵). پیاده سازی نظام شایسته سالاری در سازمان، تهران: چهارمین کنفرانس بین المللی مهندسی صنایع، قابل دسترس در منابع اینترنتی.

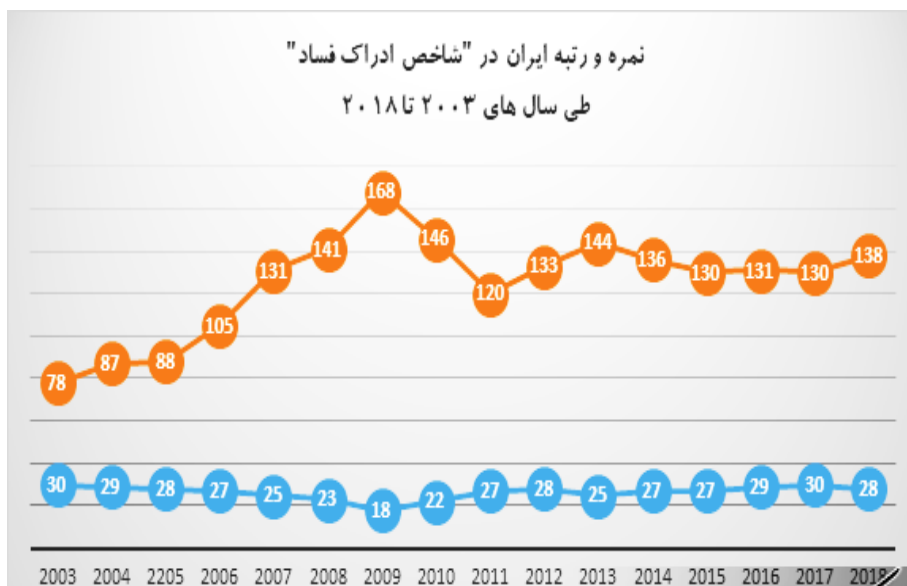
^{۴۱}. Prevention and Fight against Corruption

^{۴۲}. Investigation of Administrative Violations

^{۴۳}. Appoint a Successful Manager

^{۴۴}. Existing Mechanisms and lack of Transparency

در رده های آخر دنیا قرار دارد هرچند این امر دلایل مختلفی را دارد در اینجا رتبه های جهانی ایران در این خصوص به نقل از منابع داخلی و مورد تایید اشاراتی می کنیم^{۴۵}:



اما آنچه در جمع بندی بخشی در این قسمت باید بگوئیم باید با توجه به تنزل معناداری که در این حوزه شاهد هستیم و امروزه نیز به صورت کاملاً محسوس در رویه نیز قابل درک است و شایسته حکومت اسلامی با توجه به شعارهایی که در سرلوحه کار داده است، نیست. به نحوی باید در شاخص های ابتدائی در گزینش مدیران^{۴۶} تجدید نظر های جدی صورت پذیرد تا با در نظر گرفتن یکسری معیارهای واقعی تر شاهد تحول جدی تری در روند مبارزه عملی و نه شعاری با مقوله فساد در جامعه اسلامی باشیم.

۵- تعویض جایگاه تعهد واقعی با مقدس مآبی و ظاهر سازی

می توان به صراحت این قضیه را گفت که امروزه مقدس مآبی و ظاهر سازی به عنوان آفت اول دامن مدیران جامعه اسلامی را گرفته است که خودش منشا بزرگترین فسادهای مالی، اداری و... است چه بسیار منافقانی که بخاطر حفظ موقعیت اجتماعی خود و بدست آوردن مسئولیت ها در نظام اسلامی که مسئولیت به عنوان یک امانت مردمی به آنها سپرده شده است در قامت مدیران مقدس ماب که در ظاهر سازی (حرفه ای) فعالیت می کنند و به نوعی تعهد واقعی که باید همراه با خلوص نیت در خدمت صادقانه و بی منت به مردم باشد جای خود را به تعهدی (مبتنی بر مقدس مآبی و ظاهر سازی) داده است که ناشی از سوءنیت چنین افرادی که در بسیاری از مواقع بعد از دوران مسئولیت یا در حین مسئولیت ظاهر اصلی آنها نمایان می شود. نکته جالب اینجاست که چنین افرادی در زمان مسئولیت بخصوص در زمان گزینش دیگر افراد بسیار متدین و متعهد می نمایند.

۵-۱- گذر زمان می تواند تعهد واقعی را نشان دهد

به نمونه های فراوانی می توان اشاره کرد: به عنوان مثال دستگیری مدیر کل امنیتی فلان استان: در ادامه اقدامات دستگاه قضا در مبارزه با اژدهای هفت سر فساد به اتهام مشارکت در قاچاق حدود طلا توسط حفاظت اطلاعات قوه قضائیه دستگیر شد. اتهام وی مشارکت در قاچاق دو تن طلا عنوان شده است. با دستگیری او دوباره نام برخی از سیاستمداران کهنه کار بر سر زبانها افتاده است^{۴۷}. دستگیری در سطوح عالی قضایی، یا دستگیری رئیس سابق اداره امنیت حفاظت قوه قضائیه و رئیس فعلی حفاظت شوراهای حل

45. tabnak.ir/003hOM

46. Selection of Managers

47. <https://www.baharnews.ir/news/243450>

اختلاف و... (اگر صرفاً براساس مسائل جرائم حقوقی صرف باشد^{۴۸}) به عنوان دومین شاهد مثالی است دیگر در روند اثبات این امر است^{۴۹} و... می توان کلیت این مدیران را در این کلام جست؛ اشخاصی که در زمان طاغوت طرفدار طاغوت بودند، بلندگوی طاغوت بودند، پشتیبان طاغوت بودند، امروز طرفدار اسلامند به حسب ظاهر. مخالف با طاغوت می گویند هستیم. می گویند مخالف با رژیم سابق هستیم. این ها اشخاصی هستند که هر روزی نان را به نرخ آن روز می خورند... امروز چون اینجا بیشتر مردم به آن توجه دارند، آنها برای یک کسب اعتبار به اینجا متوجه شده اند، ولی قلوبشان اینجا نیست. فردا چنانکه یک ورقی دیگر پیش بیاید، آنها پای آن بیرق سینه می زنند^{۵۰}. «در زمان رسول الله هم آن گرفتاری که اسلام... از دست منافقین داشت، از دست کفار نداشت. کفار ایستاده بودند در مقابل هم و جنگ هم می کردند و تو سر هم می زدند و پیش می بردند و یا عقب می نشستند. لکن با منافقین چه بکنند؟ منافقی که آمده و می گوید من برای اسلام هستم و اسلام آوردم؟ و مثل اسلام ابوسفیان و دار و دسته او، با او چه بکنند؟ این که دارد می گوید من مسلمانم، با مسلمان که نمی شود کاری کرد، این که ظاهرش آمده و اسلام و نماز هم می خواند و جماعت هم می خواند و پای منبر رسول الله هم می نشیند و اشک هم می ریزد، با این که نمی شود کاری کرد. امروز هم مسلمان ها مبتلای به دسته ای از منافقین هستند که کار این مسلمان ها با این منافقین مشکل تر است، تا کارشان با محمدرضا. محمدرضا ایستاده بود و می زد و می کشت. و تکلیف ملت با او معلوم بود. ملت می رفت به جنگش. اما یک دسته ای که در ظاهر اظهار اسلام می کنند، در ظاهر برای اسلام دعوت می کنند، در ظاهر حرف اسلام می زنند، قلم هایشان و قدم هایشان برای اسلام است، لکن زیر پرده با اسلام مخالف اند. مخالفت با اسلام می کنند در زیر پرده. با این ها باید چه بکنیم؟ کار با اینها بسیار مشکل است. و حل مسئله منافقین [دشوار است] پیغمبر اکرم هم نمی توانست حل بکند. حضرت امیر هم گرفتار اینها بود و حلش نمی شد بکنی، حلش مشکل است^{۵۱}.

۵-۳- ظاهر افراد معیار تشخیصی برای تعهد یا عدم تعهد افراد^{۵۲}

از آموزه های دینی بدین نکته می رسیم که هیچ وقت ظاهر افراد معیار درستی برای تشخیص بواطن آنها نیست، هر چند که این معیار ظاهری و دیدگاه را باید چنین تعدیل کنیم هدف از ظاهر افرادی هستند که در نگاه اول همانند عرف جامعه و ظاهر معمولی دارند اینجا نباید هر ظاهری که شاید در برخی از مواقع مبلغ یک جریان انحرافی اجتماعی باشد نیز داخل این مصادیق تعریف کنیم، پس معیار و ضابطه تعریفی همان عرف معمول و حاکم بر جامعه است. به عنوان مثال در برخی از مصادیق پیش آمده است حتی افرادی که دارای جایگاههای بالا بوده اند در نگاه اول و گزینش چنین افرادی رای به عدم تعهد آنها داده اند بعدها شهید سرباز وطن قاسم سلیمانی شده است^{۵۲}.

۶- آسیب شناسی تعهد ظاهرسازی شده از منظر جرم شناسی اسلامی (فساد)

امام علی (ع) انگیزه خود را از پذیرفتن حکومت، برقراری قسط و عدل و امنیت و دفاع از مظلومان و ستمدیدگان و مقابله با ظالمان و ستمگران و تقسیم عادلانه بیت المال در میان مسلمانان و ایجاد زمینه های لازم برای رشد و پویایی و عزت و سربلندی جامعه اسلامی و... عنوان کرده و شهادتش نیز برای تحقق چنین اهداف بلندی بوده است. با توجه به شرایطی که در بیست و پنج سال بعد از زمان رحلت رسول اکرم (ص) یعنی از سال ۱۱ هجری تا سال ۳۵ هجری در دنیای اسلام به وجود آمده بود و مجموعه اوضاع

^{۴۸}. البته برخی شائبه ها و شایعات که پیش می آوردند مبنی بر اینکه یکسری اقدامات در راستای بازی قدرت و توسعه حساب در مسائل سیاسی است و صرفاً پرونده سازی برای افراد است از بحث ما خارج است، اینجا صرفاً رویکرد حقوقی و جرم شناسانه است.

^{۴۹}. <https://shrr.ir/000DM5>

^{۵۰}. <http://www.imam-khomeini.ir/fa/n25177>

^{۵۱}. به نقل از پیشین.

^{۵۲}. به نقل از آقای علی اکبر پوریانی از مسئولین گزینش سپاه وقت کرمان آورده است: حاج قاسم گویا ابتدای انقلاب که می خواست وارد سپاه شود، به دلایلی مورد تأیید قرار نگرفته بود. لباس آستین کوتاه می پوشید و ورزشکار بود و اتفاقاً به خاطر همین نوع لباس پوشیدن نزدیک به یک ماه تلاش او برای پذیرش ناکام ماند و پذیرش نمی شد. ما از دوستان قبل از انقلاب بودیم و من آن زمان فرمانده عملیات سپاه کرمان بودم. به من مراجعه کرد و من هم با پذیرش سپاه کرمان صحبت کردم که مشکل تأیید او چیست؟ ابتدا گفتند بگذارید دوباره بررسی کنیم. <https://basijnews.ir/fa/news/9309825>

سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و انحرافات و تحریفهایی که مخصوصاً در ثلث سوم این دوران پدید آمده بود و عناصر ناباب و ناسالم بر دنیای اسلام حاکم شده بودند و حکومت به جای شایسته سالاری و لیاقت پروری به دست افراد ناباب و غیر مسؤول افتاده بود و بیت المال به عنوان تیول قشری خاص از اربابان زر و زور و قدرت تبدیل شده بود و عدالت و مواسات و مساوات و برادری و وحدت اسلامی از جامعه رخت بر بسته بود و ضعف و سستی و کسالت و تنبلی و تن پروری جایگزین شجاعت و شهامت و فتوت و مردانگی شده بود و غیرتها و تعصبات جاهلی مجدداً در پی احیا شدن بود و روابط جای ضوابط را گرفته بود، امام (ع) با توجه به شرایط موجود و پیش بینی آینده در آغاز از پذیرفتن ولایت و حکومت سر باز زده و فرمود: دعونی و التمسوا غیری فانما مستقبلون امرأ له وجوه و الوان؛ یعنی اینکه: من را رها کنید و سراغ دیگری بروید، زیرا ما با امری روبه رو هستیم که دارای چهره ها و شکلهای رنگهای گوناگون است.^{۵۳}

پس از آن زمان، یکی از علل اقبال مردم به امیر مؤمنان علیه السلام، به ستوه آمدن مردم از فساد موجود در هیأت حاکمه و انحرافات موجود و روی آوردن عده ای به بازگشت به سنت های جاهلی بود. انحرافات و فساد به موجود در حکومت و زمام داران و کارگزاران حکومتی در زمان خلیفه سوم به اوج خود رسید. عثمان در دوره خلافت خود، خلاف ها و اشتباهات بسیاری را مرتکب شد. او حتی ظواهر را هم رعایت نمی کرد. خود را صاحب بیت المال و اختیار مردم می پنداشت. این نگرش وی، مفساد اداری و اقتصادی فراوانی را در پی داشت. امیر مؤمنان علیه السلام در بیان موقعیت عثمان می فرماید: بالأخره سومی به پا خواست و همانند شتر پرخور و شکم برآمده، همی جز جمع آوری و خوردن بیت المال نداشت. بستگان پدری او، به همکاری اش برخاستند. آنها هم چون شتران گرسنه ای که بهاران به علفزار بیفتند و با ولع عجیبی گیاهان را ببلعند، برای خوردن اموال خدا دست از آستین برآوردند، اما عاقبت بافته هایش پنبه شد و کردار ناشایست او کارش را تبه ساخت و سرانجام، شکمبارگی و ثروت اندوزی، برای ابد نابودش ساخت. سیدرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق)، خطبه سوم) از دید ایشان ضابطه حاکم چنین است: از نظر امام (ع) برای داشتن یک دولت کارآمد باید اصول زیر رعایت شود:

- اصل ضابطه گرایی به جای رابطه گرایی؛

- اصل شایسته سالاری؛

- اصل قانون گرایی؛

- اصل عدالتخواهی و رفع تبعیض؛

- اصل الگو بودن مدیران و رهبران؛

- اصل ساده زیستی؛

- اصل مسؤولیت شناسی و مسؤولیت پذیری؛

- تأکید بر اصل نظارت و اولویت آن؛

- شفافیت؛

- امانتداری و تکلیف گرایی^{۵۴} و... سوالی مهمی که پیش می آید این است از منظر آموخته های دینی کدامیک از معیارهای موصوف در کلام حیدر کرار امروزه در جامعه اسلامی عمل می شود؟

در نامه دیگر آورده است: برای کسانی که به تونیز دارند، زمانی معین کن که در آن، فارغ از هر کاری به آنان بپرداز. برای دیدار با ایشان به مجلس عام بنشین؛ مجلسی که همگان در آن حاضر توانند شد و برای خدایی که آفریدگار توست، در برابرشان فروتنی نمای و بفرمای تا سپاهیان و یاران و نگهبانان و پاسبانان به یک سو شوند تا سخن گویشان بی هراس و بی لکنت زبان، سخن خویش بگویند که من از رسول الله بارها شنیدم که می گفت: پاک و آراسته نیست امتی که در آن امت، زیردست نتواند بدون لکنت زبان،

^{۵۳}. نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۹۲

^{۵۴}. دری نجف آبادی، قربانعلی (۱۳۷۹)؛ مبارزه با فساد در حکومت علوی (ع)؛ فصلنامه حکومت اسلامی، شماره هفدهم، قابل دسترسی در لینک:

<http://ensani.ir/fa/article/8187>

حق خود را از قوی دست بستاند^{۵۵}. با تاکید بر رویه موجود در جامعه و حاکمان نظام اسلامی تطبیق با این سخنان تماماً می توان به آسیب شناسی تعهد ظاهر سازی شده از منظر جرم شناسی اسلامی با تاکید بر فساد باشد، پی برد. آنچه می توان علاوه بر آسیب شناسی که مد نظر است پی بیریم این مسئله است که با توجه به اینکه در نظام اسلامی حاکمیت ودیعه الهی است که از طرف مردم به حاکم واگذار شده است هرگونه غضب آن براساس معیارهای غیرواقعی نه تنها از منظر شرعی و دینی غیرقابل قبول و خیانت محسوب می شود بلکه از لحاظ آموزه های اخلاقی و بعضاً قانونی نیز قابل پیگیری است و در نتیجه افرادی که به ظاهر متعهدند و تخصص صوری دارند نه تنها خدمت نمی کنند، بلکه به نوعی خیانت کار و غاصب اند.

۷- تعهد حاصل از طریق تملق گویی و چاپلوسی از منظر جرم شناسی اسلامی

متأسفانه یکی دیگر از آفت های موجودی که امروزه در جامعه شاهد آن هستیم و بالتبع آن عزل و نصب هایی صورت می گیرد که بعداً منشا فساد می شود و به نحوی ظاهر سازی جهت احراز تعهد افراد بدل شده است تملق گویی و چاپلوسی افرادی است که با متصل شدن به حاکمیت بدون اینکه اراده ای از خود داشته باشند به سمت های انتصابی می رسند که بعدها در طول زمان باعث می شود فساد چنین تصمیم گیری بیشتر از آثار و نتایج آن بیشتر نمود پیدا می کند.

چاپلوسی حوزه های از رفتار معاصر و شکلی از سیاسی کاری است و از آن به عنوان یک استراتژی نفوذ به سطوح بالا استفاده می شود. چاپلوسی رفتاری است که براساس میل درونی محبوب بودن و نیاز خاص مورد توجه بودن شکل می گیرد و به عنوان یک راهکار نیرومند برای نفوذ ارزشیابی بالاتر و ترفیعات دست یابند. (Schmidt, 1995, pp147-167) چندین تحقیقات در این خصوص نشان دهنده این مسئله است ماکیاولیزم و سبک اداره حاکم با چاپلوسی رابطه مثبت و معناداری دارد. (رحیم نیا و دیگران، ۱۳۹۲، صص ۲۰ و به بعد) پس آنچه به عنوان یک مولفه می تواند علاوه بر اینکه آسیب جدی به جامعه اسلامی بزند و متأسفانه امروزه شاهد آن هستیم این قضیه مهلک است، که مدیران سطوح بالا در سطح تصمیم گیری کلان بجای شایسته سالاری و رعایت ضوابط حرفه ای که تعهد را به دنبال خواهد داشت تعهد را از روی تملق و چاپلوسی احراز می کند هرچند که این امر با مدیریت اتوبوسی^{۵۶} نیز رابطه ای معناداری دارد. برای افراد این امکان وجود دارد که موفقیت حرفه ای خویش را از طریق یکسری رفتارهای سیاسی نظیر تملق و چاپلوسی بهبود بخشند^{۵۷}. اگر بخواهیم به صورت خاصه حسن و قبح صلاحیت تملق و چاپلوسی را به صورت مختصر و خلاصه از منظر جرم شناسی اسلامی مورد بحث و بررسی قرار دهیم. مجاهد از قول ابی معمر نقل کرده است که مردی در مقام ثناگویی یکی از امیران برآمد، پس مقداد مشتی خاک بر گرفت و بر چهره او پاشید و گفت: رسول خدا (ص) ما را امر کرده است که به صورت مداحان خاک بپاشیم. (بخاری (۱۴۰۹-۱۹۸۹)، ص ۱۲۴) در روایت صحیح دیگر در این باب آمده است: نیز زمانی که امیر مومنان علی (ع) در صفین مشغول سخنرانی بودند، شخصی آن حضرت (ع) را بسیار ستود، امام (ع) فرمود: ...خوش ندارم در خاطر شما بگذرد که من ستایش را دوست دارم و خواهان شنیدن آن می باشم. سپاس خدا را که چنین نبودم. من از شما می خواهم که مرا با سخنان زیبای خود نستااید تا از عهده و وظایفی که نسبت به خدا و شما دارم، برآیم و حقوقی که مانده است،

^{۵۵}. نگاه کنید به: سیدرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق)، نهج البلاغه، قم، مؤسسه نهج البلاغه، نامه ۵۳.

^{۵۶}. در عرصه مدیریتی و حاکمیتی نیز بعضاً شاهد هستیم که برخی جابه جایی ها و تغییرات نه تنها بلاوجه بوده و اثربخش نیست بلکه بر مشکلات موجود دامن زده و کلاف سردرگم معضلات را پیچیده تر می کند. بسیار دیده شده که با تغییر دولت ها و تعویض جریانات سیاسی در مناصب اجرایی، از مدیران و معاونین مافوق گرفته تا حتی آبدارچی و نیروهای خدماتی ادارات و سازمان ها، به طور اتوبوسی تغییر می کنند و این نوع «تغییرات اتوبوسی» به یک رویه معمول در ساختار بروکراتیک کشورمان تبدیل شده است. مع الاسف در چنین تغییر و تحولاتی، تنها مسئله مهمی که موضوعیت نخواهد داشت، مقوله ارجحیت لیاقت، تخصص و شایسته سالاری است که در میانه لشکر کشی ها و بازی های سیاسی جناح ها گم می شود و خسارات جبرانناپذیری را به حیثیت، آبرو و اعتبار ساختار حکومتی و حاکمیتی کشور وارد خواهد آورد! حقیقتاً پذیرفته نیست، فرد یا افرادی هر چهار سال یک بار و در هریک از ادوار انتخاباتی، نظر گروه را به خود جلب کرده و پس از کسب اکثریت آراء، بدون در نظر گرفتن شایستگی مدیریتی و مدرک تحصیلی و سوابق تجربی (واقعی) و... فقط و فقط هم خون ها، هم ولایتی ها و هم قطاران حزبی و جناحی شان را به مناصب مهم بگمارند و این دور تسلسل باطل کماکان ادامه دار باشد!

بپردازم و واجباتی که بر عهده من است و باید انجام گیرد، اداء کنم. پس با من آن گونه که با پادشاهان سرکش سخن می گویند، حرف نزنید... و با ظاهر سازی (چاپلوسی) با من رفتار نکنید.... (Linsenmeier, 1977, pp133-178.) اما در آثار تملق به ویژه در مسوولان کافی است تنها به یک روایت تاریخی بسنده کنیم: عبدالله بن عمر که از بیعت با امیر مؤمنان علی علیه السلام امتناع ورزیده بود؛ به محض اینکه عبدالملک مروان به خلافت رسید و حجاج بن یوسف را به استانداری منصوب کرد، به سبب حدیثی که از رسول خدا (ص) شنیده بود که فرموده بود: «کسی که شب را روز کند و بیعت خلیفه ای بر عهده اش نباشد، مسلمان نیست.» شبانه نزد حجاج آمد تا بیعت کند، حجاج که از آمدن بی موقع و "چاپلوسانه"^{۵۸} عبدالله، تعجب کرده بود، چون به بستر خواب رفته بود، اجازه نداد که عبدالله با او دست بدهد، بلکه پای خود را از زیر لحاف بیرون آورد و گفت: با پایم بیعت کن.^{۵۹} بهر حال یکی از عواقب و آفت های جامعه اسلامی می تواند این مسئله باشد تقسیم مناصب بر اساس ضوابطی غیر از شایسته سالاری باشد و همانطوریکه اشاره شد براساس تعهد حاصل از تملق و چاپلوسی باشد که بعداً تخصص صوری نیز در کنار آن شکل گیرد و این امر باعث می شود که سرچشمه های فساد در جامعه شکل گیرد و بعدها شاهد انواع اقسام جرائم اقدامات از این دست باشیم.

۸- تقویت اخلاق حرفه ای و تخصصی تعهد واقعی را نیز به دنبال دارد

در باب جرم شناسی اسلامی به یک مولفه معتقدیم آنهم این است که یک فرد متخصص واقعی به خاطر تخصص اش در اکثر اوقات تعهد را نیز به دنبال دارد، این امر به نحوی در آموزه های اسلامی به صورت امضایی آمده است. نظام اخلاق اسلامی به گونه ای است که با اخلاق حرفه ای در هم آمیخته و تفکیک ناپذیر است؛ زیرا در این نظام ملاک نهایی و نهایت سعادت بشری، الله است و انسان در مقام خلیفه و جانشین الهی در زمین، محور توجهات اخلاقی است؛ بدین معنا که خشنودی انسان و خدمت به او موجب رضایت و تقرب به خداوند می شود؛ از این رو، نظام اخلاق اسلامی با توجه به ملاک نهایی، در صدد است با ارائه دستورالعمل ها و آیین نامه های اخلاقی^{۶۰} در سطح حرفه و زندگی اجتماعی و همچنین با در نظر گرفتن پیشرفت های مادی در جهت بهبود زندگی انسان ها، زمینه سعادت و کمال حقیقی بشر را فراهم آورد. اخلاق حرفه ای در اسلام جایگاه والائی دارد به طوری که از جهات مختلف در کسب و کار مورد تأیید قرار گرفته است. اخلاقیات به عنوان مجموعه ای از اصول، اغلب به عنوان مشوری برای راهنمایی و هدایت استفاده می شود. اخلاق حرفه ای در حرفه ای یکی از مسائل اساسی تمام جوامع بشری است. (ابراهیمی نژاد، ۱۳۹۴) در بررسی اصول اخلاق حرفه ای را در کتاب ارزشمند نهج البلاغه نتایج نشان می دهد که امام علی (ع) همواره به بحث اخلاقیات و اصول اخلاقی توجه داشته اند و در موارد فراوانی، کارگزاران و یاران خود، به طور اخص و تمامی انسان ها را در طول زمان به رعایت آنها فرمان داده اند. اصول اخلاقی مطرح در نهج البلاغه، مشتمل بر: اصل احترام، اصل آزادی، اصل انصاف^{۶۱}، اصل وفای به عهد، اصل امانت، اصل صداقت، اصل مسئولیت پذیری^{۶۲}، اصل نقادی و انتقاد پذیری^{۶۳}، اصل مدارا و سعه صدر، اصل قانون مداری، اصل اعتدال و اصل رازداری است. (اشرفی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۶۷) در اخلاق حرفه ای اسلامی، ملاک نهایی اخلاق همانا خواست خداوند یعنی خیر مطلق است. مهم ترین اصول راهبردی که به منزله منشأ شکل گیری مولفه های کاربردی در اخلاق حرفه ای اسلامی^{۶۴} محسوب می گردند، عبارتند از: کرامت انسانی، آزادی فردی، عدالت اجتماعی^{۶۵} که در مفهوم عام یعنی قراردادن هر امری در جایگاه

58. Flattery

^{۵۹}. به نقل از محمد صادق فرخی: جاحظ، العثمانیه، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، مصر، مکتبه الجاحظ، ص ۳۰۱؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد أبو الفضل إبراهیم، دار إحياء الکتب العربیة ۱۳۷۸ - ۱۹۵۹ م، چاپ اول، ج ۱۳، ص ۲۴۲ قابل دسترس در لینک ذیل می باشد:

asriran.com/000uHd

60. Ethical Regulations

61. The principle of fairness

62. The principle of responsibility

63. The principle of critique and critique

64. Islamic professional ethics

65 social justice

شایسته آن و امانت‌ورزی بصورت امانت‌داری و بینش امانت‌نگری که از میان اصول گفته شده آخرین و مهم‌ترین اصل است. یافته‌ها حاکی از آن است که اخلاق سازمانی در اسلام شامل؛ کسب رضای خداوند، اخلاص در کار، نظم کاری، اصل اتقان در کار، حفظ کرامت انسانی، وجدان کاری، رعایت حد اعتدال، خوش برخوردی و خوش‌رویی، رازداری، امانت‌داری، اتلاف وقت، دلسوزی، اهمیت دادن به کار، انجام هر کاری در وقت خود، جدیت در اشتغال به هر کاری، پشتکار و عدم یأس، کم‌فروشی و رشوه‌خواری می‌گردد. در راستای به‌کارگیری نیروی انسانی مقید به رعایت اصول اخلاق سازمانی، آموزش عملی اخلاق به مدیران و کارکنان و در نهایت، تدوین منشور اخلاقی برای سازمان‌ها، از جمله پیشنهادها و راه‌کارهای نهادینه کردن اخلاق اسلامی در سازمان‌ها می‌باشند: (تاج آبادی، ۱۳۹۶، ص ۱۴۱)

۹- نتیجه‌گیری

به عنوان برآیند حاصل از مقاله موصوف باید بگوئیم امروزه یکی از ریشه‌های اصلی فساد و جرائم در تمامی ابعاد آن استراتژی‌هایی تعریف شده بوده است که در ابتدا یا صحیح ریل‌گذاری نشده است یا پیش‌بینی‌های لازم برای آسیب‌شناسی احتمالی آن نشده است. به عنوان شاهد مثال تعهد‌گرایی‌هایی که هیچ‌گونه ضابطه دقیق مبتنی بر شایسته‌سالاری پشت آن نبوده است اگر عملاً از باب آسیب‌شناسی در حوزه جرم‌شناسی اسلامی بخواهیم به قضیه ورود کنیم حاصل تحقیقات این پژوهش به شرح ذیل است:

- مغفول ماندن تخصص حرفه‌ای زیر سایه تعهد مصلحت‌گرایانه از منظر دینی؛

- خانه‌نشینی و منزوی کردن متخصصین واقعی به اسم عدم تعهد ظاهری و تکنوکرات؛

- شکل‌گیری تعهد‌گرایی مبتنی بر ظاهر سازی، مقدس‌مآبی، چاپلوسی؛

- شکل‌گیری تخصص‌های صوری و کاغذی بر پایه تعهد ظاهری بدون پشتوانه علمی واقعی؛

- رواج مدرک‌گرایی و تقلب‌های علمی جهت احراز این مناصب بر پایه ...؛

- مدیریت اتوبوسی با تعهد ظاهری به اسم مردم به کام خود و ...؛

- نتیجه فساد فراگیر و جرائم در نتیجه استراتژی‌های آسیب‌شناسی نشده.

در نتیجه شاهد گسترش روز به روز فساد در جامعه هستیم که بعد از دوران مدیریت و یا حین مدیریت جرائمی کشف می‌شود و بروز ظهور پیدا می‌کند که باعث بدبینی مردم به اصل دین می‌شود. این در حالی است که در دین مسئولیت به عنوان یک امانت است، امیر المومنین (ع) در نهج البلاغه خطاب به اشعث بن قیس حاکم آذربایجان می‌نویسد: «حکومتی که در دست توست شکار و طعمه نیست که به چنگت افتاده باشد، بلکه امانتی است بر گردن تو و باید به فرمان آن کس که فرادست توست، حق آن امانت را پاس داری و نگاهبان آن باشی. تو را نرسد که به استبداد و دلخواه خود در میان مردم رفتار کنی»^{۶۶}. در پایان بحث باید بگوئیم با توجه به این ودیعه الهی در گزینش افراد در مناصب، گزینش این افراد بر اساس ظاهر مبتنی بر مولفه‌های مفسده‌انگیز که صحبت شد صورت می‌پذیرد، نه تنها مورد پذیرش دین نیست بلکه در تضاد با مبانی دینی است و نتایج عکس در جامعه خواهد داشت.

۱۰- منابع و مآخذ

۱. بخاری (۱۴۰۹-۱۹۸۹)، الادب المفرد، بیروت، دار البشائر الإسلامیة، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، چاپ سوم
۲. جعفر لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۶۷)؛ ترمینولوژی حقوق، چاپ اول، بی‌نا، تهران
۳. سیدرضی، محمد بن حسین، (۱۴۱۴ ق)، نهج البلاغه، قم، مؤسسه نهج البلاغه، خطبه سوم
۴. طباطبایی، سیدمحمدحسن (۱۳۷۴)، المیزان، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چ سوم، قم، جامعه مدرسین
۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹) مجموعه آثار شهید مطهری، مجلد سیزدهم، چ سوم، انتشارات صدرا، تهران

^{۶۶} سید محمد رضی (۱۳۸۵)؛ نهج البلاغه؛ ترجمه: محمد دشتی. چاپ دوم، قم: گلستان ادب، نامه ۳

۶. موسوی فرد، سیدمحمدرضا و دیگران (۱۳۹۸)؛ رویکردهای پیشگیرانه جرم شناسی اسلامی؛ چاپ اول، بنیاد حقوقی مجد، تهران.
۷. موسوی فرد، سیدمحمدرضا (۱۳۹۷)؛ جرم شناسی اسلامی گرایش نوین حقوق کیفری در ایران و جهان اسلام؛ چاپ اول، انتشارات بنیاد حقوقی مجد
۸. نهج البلاغه (بی تا)، مترجم: محمد دشتی، قم، موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع).
۹. ابراهیمی نژاد، مهدی (۱۳۹۴)، اخلاق حرفه ای و موازین ارزشی اسلام در کسب و کار، مجموعه مقالات کنفرانس سالانه مدیریت و اقتصاد کسب کار، تهران، <https://civilica.com/doc/428476>
۱۰. اشرفی، قاطمی و دیگران (۱۳۹۳)؛ اصول اخلاق حرفه‌ای در نهج البلاغه؛ فصلنامه پژوهشنامه علوی، دوره ۵، شماره ۹ - شماره پیاپی نهم، بهار و تابستان.
۱۱. افضل، عبدالرحمان (۱۳۹۱)؛ فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه: علل، پیامدها و راهکارهای برون رفت؛ مجله حقوقی بین المللی، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی ریاست جمهوری، سال بیست و هشتم، شماره چهارم و پنجم.
۱۲. ایزدی فر، علی اکبر (۱۳۸۴)؛ شایسته سالاری در مدیریت از دیدگاه علی (ع)؛ مجله علوم انسانی، پاییز ۱۳۸۴، دوره ۱۲، شماره ۴.
۱۳. پورکریمی، جواد و دیگران (۱۳۹۸)؛ شاخصه‌های انسان دانشگاهی متعدد... از منظر تربیت اسلامی؛ نشریه علمی پژوهش در مسائل و تربیت اسلامی، دوره بیست و هفتم، شماره چهارم و پیاپی، پاییز
۱۴. تاج آبادی، حسین و دیگران (۱۳۹۶)؛ اصول اخلاق سازمانی در اسلام؛ فصلنامه منابع علوم انسانی، دوره ۷، شماره ۳ - شماره پیاپی ۲۵ پاییز
۱۵. درگاهی، ح. (۱۳۸۹)؛ «ارائه مدل شایستگی در توسعه منابع انسانی»؛ نشریه راهبرد، شماره بیست و سوم
۱۶. دری نجف آبادی، قربانعلی (۱۳۷۹)؛ مبارزه با فساد در حکومت علوی (ع)؛ فصلنامه حکومت اسلامی، شماره هفدهم، قابل دسترسی در لینک: <http://ensani.ir/fa/article/8187>
۱۷. رحیم نیا، فریرز و دیگران (۱۳۹۲)؛ واکاوی پیش آینده‌های فردی و موقعیتی موثر بر چابک‌سازی و تأثیر آن بر پیشرفت و...؛ فصلنامه پژوهشهای مدیریت عمومی، سال ششم، شماره بیست و دوم، زمستان
۱۸. فتاحی، رحمت الله (۱۳۸۹)؛ تخصص گرایی در حرفه؛ فصلنامه علمی کتابداری و اطلاع رسانی، دوره هفتم شماره چهارم، پیاپی بیست و هشتم، زمستان
۱۹. فدوی بنده قرانی، احمد و دیگران (۱۳۹۲)؛ الگوی راهبرد سیاسی، امنیتی در فراگرد توسعه اسلامی ایرانی؛ دوفصلنامه مطالعات الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، دوره دوم، شماره سوم، پیاپی، بهار و تابستان
۲۰. قهرمانی، علی (۱۳۸۵). پیاده سازی نظام شایسته سالاری در سازمان، تهران: چهارمین کنفرانس بین‌المللی مهندسی صنایع
۲۱. موسوی مقدم، سیدمحمد و دیگران (۱۳۹۵)؛ گزینش مدیران و کارکنان از منظر اسلام با رویکرد به مؤلفه عقلائی الهی به عنوان شاخص کلان شایسته سالاری؛ فصلنامه مدیریت فرهنگ سازمانی، سال چهاردهم، بهار (پیاپی ۳۹)
۲۲. یاسینی، مصطفی (۱۳۸۹)؛ آسیب شناسی انقلاب اسلامی... شایسته سالاری و تأثیر آن در کاهش فساد...؛ چاپ شده در روزنامه رسالت، مورخ ۲ آبان ۱۳۸۹، شماره ۷۱۱۴.

23. Bukhari (1409-1989), Al-Adab Al-Mufrad, Beirut, Dar Al-Bashayer Al-Islamiyyah, research: Mohammad Fouad Abdul Baqi, third edition

24. Jafar Langroudi, Mohammad Jafar (1367); Legal Terminology, First Edition, Bina, Tehran

25. Sayyid Razi, Muhammad ibn Husayn, (1414 AH), Nahj al-Balaghah, Qom, Nahj al-Balaghah Institute, third sermon

26. Tabatabai, Seyed Mohammad Hassan (1374), Al-Mizan, translated by Seyed Mohammad Baqer Mousavi Hamedani, Ch III, Qom, Teachers Association

27. Motahari, Morteza (2010) Collection of works of Shahid Motahari, Volume 13, Ch 3, Sadra Publications, Tehran

28. Mousavifard, Seyed Mohammad Reza and others (1398); Preventive approaches to Islamic criminology; First Edition, Majd Legal Foundation, Tehran.
29. Mousavifard, Seyed Mohammad Reza (1397); Islamic criminology is a new trend in criminal law in Iran and the Islamic world; First Edition, Majd Legal Foundation Publications
30. Ebrahimi Nejad, Mehdi (2015), Professional Ethics and Islamic Values in Business, Proceedings of the Annual Conference on Management and Business Economics, Tehran, <https://civilica.com/doc/428476>
31. Ashrafi, Qatemi and others (1393); Principles of professional ethics in Nahj al-Balaghah; Alavi Research Quarterly, Volume 5, Number 9 - Ninth Consecutive Issue, Spring and Summer.
32. Afzali, Abdul Rahman (1391); Corruption and its impact on development: - Causes, consequences and solutions; Journal of International Law, Journal of the Center for International Legal Affairs, Presidential Issue 28, Issue Forty-Five.
33. Izadifar, Ali Akbar (1384); Merit in management from the perspective of Ali (AS); Journal of Humanities, Fall 2005, Volume 12, Number 4.
34. Pourkarimi, Javad and others (1398); Characteristics of a committed academic human being ... from the perspective of Islamic education; Scientific Journal of Research in Islamic Issues and Education, Volume 27, Issue 44, Autumn
35. Tajabadi, Hossein and others (1396); Principles of organizational ethics in Islam; Journal of Humanities Resources, Volume 7, Number 3 - Serial Issue 25 Fall
36. 1389, "Providing a competency model in human resource development"; Strategy Magazine, No. 23
37. Dari Najafabadi, Ghorban Ali (1379); Fighting corruption in the Alawite government; Islamic Government Quarterly, No. 17, available at: <http://ensani.ir/fa/article/8187>
38. Rahimnia, Fariborz and others (2013); Analysis of individual and situational preconditions affecting flattery and its effect on progress, etc .; Quarterly Journal of General Management Research, Year 6, Issue 22, Winter
39. Fattahi, Rahmatullah (1389); Professionalism in the profession; Scientific Journal of Library and Information Science, Volume 7, Number 4, Twenty-Eight, Winter
40. Fadavi Bandeh Qaraei, Ahmad and others (2013); Model of political and security strategy in the process of Iranian Islamic development; Bi-Quarterly Journal of Iranian Islamic Model of Progress, Volume 2, Number 3, Consecutive, Spring and Summer
41. Qahramani, Ali (1385). Implementing a Meritocracy System in the Organization, Tehran: Fourth International Conference on Industrial Engineering
42. Mousavi Moghadam, Seyed Mohammad and others (2015); Selection of managers and employees from the perspective of Islam with an approach to the component of divine rationality as a macro indicator of meritocracy; Quarterly Journal of Organizational Culture Management, Fourteenth Year, Spring (39th consecutive)
43. Yasini, Mustafa (1389); The pathology of the Islamic Revolution ... meritocracy and its impact on reducing corruption ...; Published in Resalat newspaper, dated November 23, 2010, No. 7114.
44. Rao, A., Schmidt, S. M., & Murray, L. H. (1995). Upward impression management goals, influence strategies, and consequences. Human Relations
- Wortman, C. B., & Linsenmeier, J. A. W. (1977). Interpersonal attraction and techniques of ingratiation in organizational settings. in Staw, B. W., & Salancik, G. R. (Eds), New Directions in Organizational Behavior, St Clair, Chicago, IL

Take a Critical Look at for Commitment or Expertise in From the Perspective of Islamic Criminology and Criminal Sociology

Seyed Mohammad Reza Mousavifard

Faculty Member University

mousavifard136394@gmail.com

Abstract

One of the controversial issues that has been considered for a long time is this issue. In the choices that are made, at least in the contemporary period after the Islamic Revolution, the question is whether the principle of commitment should be the criterion or the principle of expertise should be the desired choice. By examining different perspectives that are often debatable in two intellectual spectrums; some believe in commitment from an ideological and revolutionary point of view, believing that specialization also follows (expediency perspective). Others argue against specialization; Most of these people are best known for their typologically atheistic views. In this article, we try to find an intermediate approach based on interdisciplinary teachings (a new answer based on the teachings of Islamic criminology, etc.) for this theoretical and at the same time practical conflict and give a realistic answer based on facts.

Key words: Commitment, Expertise, Administrative selection, Corruption, Islamic criminology, Crime, Violation.